

هم اتم هم آزادی

رامین کامران

بیست و شش سال است که مردم ایران در پی خلاصی از حکومت اسلامیند. هر بار فرصتی پیش آمده یا رهبری در کار نبوده و یا آگاهی و هم‌رأیی مردم برای بهره‌گرفتن از آن تکافو نکرده است. نتیجه اینکه از تمامی تحولات و پست و بلندهایی که ظرف این مدت پیدا شده یا حکومت اسلامی استفاده برده یا دول خارجی. در همه حال سر ملت ایران بی‌کلاه مانده است، سهمش را یا این‌یکی برده و یا آن‌یکی خورده. کشمکش بر سر اتم هم یکی از همین فرصت‌هاست که بازیگران اصلیش حکومت اسلامی و چند دولت غربی هستند و باز هم گویا هیچکدام برای ملت ایران نقشی جز سیاهی لشکر در نظر نگرفته‌اند.

ولی این اختلاف فقط بعد بین‌المللی ندارد که مردم نتوانند در آن ابتکار عملی داشته باشند و ناچار باشند که یا در پشت دستگاه حکومتی که خود را حافظ منافع ملی جا زده، موضع بگیرند و یا امید به حسن نیت دول خارجی ببندند. این دعوا بعدی داخلی هم دارد که برای آزادیخواهان ایران قابل بهره‌برداری است. باید به هر دو وجه جریان توجه داشت تا بتوان از آن بهره گرفت. استفاده از فرصتهای سیاسی نه در حیطه انحصار دول غربی است که هر بار با موقع‌شناسی از آن بهره بگیرند و برای ایرانیان تکلیف معین کنند و نه در حوزه اختیار حکومت اسلامی که برای تحکیم موقعیت خود در خارج و داخل کشور، از آن سو استفاده نماید. مردم ایران هم میتوانند با موقع‌شناسی عمل کنند و گامی در راه بهروزی خویش بردارند. مناقشه بر سر اتم مجالی برای کسب آزادی این مردم فراهم آورده که نباید در بهره‌برداری از آن تردید کنند.

بر این امر تأکید کنم که استفاده از این فرصت مطلقاً مستلزم صرف نظر کردن از تکنولوژی اتمی نیست. به هر حال نقداً که مردم ایران طالب دستیابی به این فناوری به نظر می‌ایند و اصولاً هم کسی هم مجاز نیست از این حق محرومشان کند. نکته در اینجا است که نه باید به این خاطر بازیچه حکومت اسلامی بشوند و نه آلت دست دولی که در پی منافع خویشند. یکی خود را نماینده ملت ایران جا زده و باقی ادعای خیرخواهی این مردم را میکنند، ولی برای هیچکدام این دو مهم نیست که چه بر سر ملت ایران بیاید. این فقط مردم ایران هستند که مجازند خیر خود را تشخیص دهند و همینها هم هستند که میباید در راه تحقق آن بکوشند.

سو استفاده از ابهام موجود بین «مصلحت نظام» و «منافع ملی» بهترین ترفندی بوده که حکومت اسلامی برای ادامه حیات و بسیج کردن مردم به کار گرفته. این حکومت هر جا توانسته مصالح خود را با منافع ملت ایران یکی جا زده تا برای خود مشروعیت بخرد و تا به امروز موفق هم بوده.

تا به امروز دولت اسلامی پشتیبانی ملت ایران از سیاست اتمی خود را به بهای بسیار نازلی به دست آورده و موقعیت خویش را به این ترتیب در مذاکرات بین‌المللی تحکیم بخشیده — به قیمت تظاهر به ناسیونالیسم و گرفتن چند ژست مردم‌پسند. میبینیم که در این راه حتی از دست زدن به دامان نام و یاد مصدق هم کوتاهی نکرده است. مردم ایران نیز به دلیل غرور ملی توجه نکرده‌اند که میتوانند از شرایط فعلی به نفع خویش که از منافع هر دو طرف دعوا جداست، استفاده کنند. نه با اتخاذ موضعی مشابه آمریکا و اروپا و صرف نظر کردن از تکنولوژی اتمی و نه با سینه‌زنی بی‌منطق پشت سر اسلامگرایان، بلکه با طلب بهای واقعی این پشتیبانی از حکومت خودشان. باید در این دعوا موضعی

مستقل و جدا از هر دو طرف حاضر اتخاذ نمود. اینجا دیگر مسئله حمله عراق نیست که تمامیت ارضی کشور در خطر باشد و همه خود را ملزم ببینند تا در فوریت به مقابله بشتابند، داستان مذاکره است و مجال مانور هست.

نکته در اینجا است که حکومت اسلامی در موقعیتی نیست که بتواند همزمان در برابر دو فشار خارجی و داخلی مقاومت کند. باید از این ضعف گذرا استفاده کرد. نه با همنوایی با آنهایی که مدعیند ایران اصلاً حاجت به اتم ندارد. بلکه با حفظ موضع فعلی برای دستیابی به این تکنولوژی که در مقابل طرف خارجی اتخاذ شده و با علاوه کردن خواست جدیدی به آن. خواست اول متوجه خارج است و دومی باید متوجه حکومت ایران باشد. اگر موضع‌گیری مردم ایران به مخالفت با خارجیان منحصر شود فقط آب به آسیای اسلامگرایان خواهد ریخت.

آنچه باید از حکومت فعلی ایران خواست و مصرأً هم خواست و به فوریت هم خواست آزادی بیشتر است. اگر حکومت پشتیبانی از سیاست اتمی می‌خواهد باید بهایش را هم به مردم ایران بپردازد و همین امروز هم که تعادل قدرت به نفع ملت است بپردازد. در این بازی فردایی در کار نیست.

نباید در این کشمکش به حکومت فرصت داد تا از حس همبستگی ملی ایرانیان باز هم سوءاستفاده کند. درخواست امتیاز در برابر پشتیبانی از دولت امر جدیدی نیست و در همه جای دنیا سابقه دارد. در اروپای عصر جدید مردم دادن مالیات را که قرار بود به مصرف ارتش، یعنی دفاع از خودشان برسد، موکول به داشتن نماینده کردند و به همین ترتیب بود که راه دمکراسی را پیش پای خود گشودند. باز در همین اروپا شرکت وسیع طبقات مختلف مردم در جنگهای عصر جدید منشأ تحولات عظیم اجتماعی شد. حتی سربازانی که از مستعمرات روانه جبهه‌های جنگهای جهانی شدند در عوض دفاع از امپراتوری مستعمره‌چیان طالب استقلال شدند و بالاخره به دستش آوردند. وقتی دولتی حق مردم را به مسالمت نمیدهد و ادارشان می‌سازد تا در موقع حساس و هنگامی که قدرتش کم شده، این حق را به درشتی از وی بستانند. حال نوبت ایرانیان است تا چنین کنند، این گوی و این میدان.

وقتی این حکومت مایل است سیاست اتمی خود را به هر ترتیب پی‌بگیرد و تحکیم موقعیت خویش و بیمه کردن حیات خود را در برابر فشار بین‌المللی و... را فقط و فقط به حساب دفاع از منافع ملی ایران بگذارد، عوض خواستن از آن قبلی که ندارد هیچ، سراپا حسن است. حکومتی که حق مردم را به تاراج برده و امروز محتاج یکپارچگی ملی در برابر فشار خارجی است، باید بهای این کار را لااقل به صورت پس دادن بخشی از این حق بپردازد. باید به گروه حکومتگری که با وعده اسلام‌پراکنی دوباره به میدان آمده حالی کرد که نه فقط امکان بازگشت به دوران امام مرحول را ندارد، بلکه در این شرایط اگر می‌خواهد از پشتیبانی ایرانیان، حتی در مورد مسئله اتم که مورد توجه آنها هم هست، برخوردار باشد باید در مقابلش عوضی بدهد. حکومت اسلامی نمیتواند همزمان برای دول خارجی گردنکشی کند و به سرکوب داخلی دست بزند و مردم را از خود براند. همینجاست که باید از آن امتیاز گرفت وگرنه فردا که خطر از سرش گذشت هر کار خواست خواهد کرد و به کسی هم حسابی پس نخواهد داد.

سیاست هم مثل هر بازی قواعد خود را دارد و بی‌اعتنایی به آنها ثمری جز شکست ندارد. اگر حکومت‌های خارجی توانسته‌اند این همه در عصر جدید از ایران بهره بکشند و اگر حکومت اسلامی توانسته به رغم خواست اکثریت مردم ایران بر این کشور مستقر شود و هر روز بر عمر خود بیافزاید با تبعیت از همین قواعد بوده. مردمی هم که می‌خواهند به آزادی دست پیدا کنند باید قاعده این بازی را بپذیرند تا بلکه به هدفشان

برسند. اگر غیر از این بکنند تا ابد درجا خواهند زد. کشمکش سیاسی در این سطح بسیار خشن است و برنده هم به بازنده رحمی نمیکند. اگر آزادی می‌خواهیم نباید دستمان برای ضربه زدن بلرزد وگرنه ابتکار عمل و اختیار کار در دست آنهایی خواهد ماند که از کوبیدن حریف ابایی ندارند و با ما مردم هم همان معامله‌ای را خواهند کرد که تا به حال کرده‌اند.

برخی از اعضای حکومت صحبت از برگزاری رفراندوم بر سر سیاست اتمی میکنند تا پشتیبانی ملت ایران را از راه و روش خویش به دنیا اثبات کرده باشند. هیچ موجبی نیست که این رفراندوم یک سؤال باشد. اگر جواب مثبت می‌خواهند لااقل سؤالی برای تصحیح قانون اساسی موجود و نه الزاماً تغییرش، در آن بگنجانند. به عنوان مثال حذف شورای نگهبان که زن و مرد و پیر و جوان و اصلاح‌طلب قلبی و مخالف جدی از دستش مینالند. به هر حال، چه رفراندوم و چه غیر آن، باید از هر فرصتی که حکومت محض گرفتن تأیید ایجاد میکند، برای درخواست آزادی استفاده کرد. صدا بلند کردن در اینجا هم از تظاهرات دانشجویی بیشتر اثر دارد و هم از تظاهرات زنان چون برد جهانی‌ش بیشتر است.

حکومت نمیتواند مردم را فقط برای تأیید خودش و کارهایش آزاد بگذارد. این نوع آزادی را هیتلر و استالین هم میدادند. باید بیش از این خواست و بیشتر از این گرفت. ملت ایران امروز در موقعیتی است که میتواند چنین کند و باید از این فرصت که معلوم نیست باز نظیرش کی پیدا خواهد شد، استفاده نماید. از قضیه‌ی رشدی تا به امروز صبر کردیم کافیم. آزادی ایران کار دول خارجی نیست و باید به دست ایرانیان انجام شود ولی استفاده از ضعف حکومت اسلامی در صحنه‌ی بین‌المللی برای پس راندنش در داخل هم بجاست و هم لازم. نگذاریم از فرصتهایی که پیدا میشود فقط بیگانگان یا خودی‌های از بیگانه بدتر استفاده ببرند. یکبار هم که شده خودمان به حرکت بیاییم.